

بسم الله الرحمن الرحيم



ایها کائنات خدای را منت و ستایش سزااست که جهانداران باغ و مملکت را در روزی همین  
بایت جلالت و عظمت خویش برافراشت و با اینکه با به موجودی بجز اوست فهم و  
درک صفات شریف خویش را از قوه بردیم و خیال برتر گذاشت سبحانه و تعالی  
جل جلاله و عظیم شانیه چگونه ممکن است که مصدوعی نادان و مخلوقی ناتوان حق صفت  
و قدر نعمت صانعی قوی و قدیم شناسد و احسانش را در مقام شکر و ثنا برآید  
با کدام زبان و با کدام دانائی و پیمان ذره کی دانند شای آفتاب  
چه نسبت است خالق را با مخلوق و رازق را با مرزوق که آن موجود است  
مجرد بیرون از همه و قیاس و این موجود است مرکب از عناصر و محتاج باقی  
هر قدر آنقدر قدرت و توانائی این را ضعف و ناتوانی است تا باینکه کار از او چه

واندازد که در مقابل خالق مقاب و ما و معضی دسیم و کاد سخن از عبادت  
ایم یا سمد جهل در وادی و حدیث را سمد غنی و امتار سولی امین و خلقی مستین  
و رزین یعنی پمیر لوناک و مسامره عوش و افلاک که در معرفش ما عرفناک حق  
معرفناک کوبد و در عبادش زبان فصاحت پان بما بعدناک حق عبادناک کاشاید  
در اینحال با چارگانا شاید خزانید در آن وجود مبارک محترم که بر اخبار که شسته  
و بر آثار آیند و بصیر بود و ال و حیران بما ایم و منت بریم و شکر که ایم موجود و ترا  
که ما را و حق از باطل و باطل از حق نمود خضری طالبین را بجا نوری موزی تر از  
حوالت داد و عطای عادلین را بمو بستی فراخورشان مرجوع داشت انرا ما را  
دسیم گفت و این را یاران نعم اساس قانون جمهور عالم بر عدل که است و بینان  
منزیت بنی دم را بر علم و فضل دین و دولت را که اسباب بقای ملی است تو ام فرمود  
و شیخ آزادی و راحت را با شرط بندی و خدمت مدغم بود اسلام را مادی لمضلمین ساخت  
و وجود اتحاد و ام لاد خویش را شافع المذنبین استیما و جو و عالی جو و سرور او حسینما  
و خلیفه نبیما علی مرتضی علیه الف التحیه بهشتنا آنکه دست قدرتش ملک و بی من  
کلمین کرد و پای همیش اعدادی بین با خاک نشین اللهم ارزقنا شفاعتکم و حشرنا معکم



بی بی زده و هم سیما حق مجبور از ساحت مملکت نراسان گیتی از وسیع ترین قلم  
محرور است فرموده باشند و از غور و سرحدات آن سامان رای مبارک  
استناری محکم حاصل کرده پس سران سپاه و امرای دربار گردون هشتباه را  
مردم قدر شد که بسبب سفر آماده سازند و در کمال استعجال با نیمه و خرد ماه سپهر  
تا زنده در خرابین کشوند و مردم در اندک مدت از تیه با یتیم حاج سفر بنا سود پاشان  
بین ملک است که از خواص چاکران دربار و وکیل خراسان بود امر و مقرر شد که  
مهرین به تاب حضرت امشب را در پیر و ان شدن شتاب کن و نیز از محبان  
سوسان فرما نقرهای شرقی را از غزم بدهد تا اطلاع داده و از اول خاک خوان  
تا فیروز کوه که در اوارده حکم آن آن سامان بود سیوریات و آرزو و ناله و مهتاب  
سازد که غم و حیرت ایشان را ردوی کیوان شکوه را ازین رکب آسودگی و فراغت  
حس باشد و چون درین سفر حضرت شرف و سپایون زیارت مقرر بود و غلبه  
ایمان و چاکران بسبب تجماع از انداز پیش و اولاد و خیال خویش همراه  
گرفتند حتی خادمان مردم جلالت که جمعی کثیره در تمام استعدای همراهی ذات  
و الاصفات بیایون نمودند و استعدای ایشان بدرجه بجایست مقبول آمد

تا طرحت عظیم بر سر و شاداب بود ذات عالی برکات همایون  
در کمال صحت و سلامت صبح این روز بزم نقل مکان به عمارت دوشان  
از حرم خانه مبارک با سرداری مکلن بالماس و چند و چند شمشیر مرصع و جمایل مروارید  
سباغ دیوانخانه شریف فرماید مذاق رضای عکاسباشی در وسط باغ  
سبب عکس جانساز نموده و بچهل یک آینه عکس شمال شمال همایون ترا برداشته  
پس از آن از در خلوت کریم خانی دیوانخانه سپرون شریف آوردند تا بر  
عظام و وزراء، فحام و اعیان و صاحبان خزان و فل متوقف و مسا و تمام  
درین دیوانخانه حاضر بودند اعلیحضرت همایونی بهر یک فراخور حال اطمان  
مرحمت فرموده و از دیوانخانه سپرون شده بر اسب گزناک شکی امیرزاده  
محمّد میرزای امیر آخور سوار گردیده از دروازه دولت شریف فرماید  
با ای مملکت ضعیف و شریف اعلی و ادنی تا خارج دروازه پیاده عظم کما  
حضرت اشاب بودند بهر یک بخوی که سزاوار بود فرمایشی شد و در خارج شهر  
جمعی کثیر از زن و مرد از برای زیارت جمال مسینو شمال همایونی صف کشیدند  
و بصدای صلوات و دعای وجود مبارک غلغله در اطراف افکنند و بودند

در محاذی باغ بخارستان از سب فرو آمده بحاکمیت تنان اقبال  
و دستکاج اول سمت ووشان تهر روان ساختن سوار و شاپسون یا نمود  
نزدیکی دولت صفت کشیده از میان حضور ممالک کشید چون نزدیک  
بهوشان تهر از کالک پرون آمده سوار سب سفید پیشی نواب تیمور میرزا  
شده مستوفی الممالک و سردار کل و امین الدوله و ساعده الممالک و میرزا قهرمان  
نزدیک صلیده در باب نظام ادبایجان و اصلاح میران و میرزا انصاری  
شکر نویس مباشران بایشان با باغ و کشتا فرمایش کنان تشریف برده و قدر  
در باغ تشریح کرده در سردر جنوبی باغ صرف نهار فرموده و بلافاصله وزراء  
مفصله فوق را با ساعده الممالک و میرزا قهرمان مجدداً حاضر نموده در تعیین  
و ستور العمل بر یک فرمایشات لازم فرمودند شاهزاده اعظم کامسار کامرانی  
نایب السلطنه دولت قوی لاقدر حکم من ظهرا ترا در دار الخلافه گذاشته  
نظام شهر و خزانه و نظم سایر و ایات و وصول و ایصال ایات و غیره را  
بجایت میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر مالیه مرجوع داشتند و اداره  
علمیه و تجارت و مزارعهای ممالک محروسه و آنچه متعلق بدین دایره بود و تعلقی

سیرزای اعضاء سلطنته و وزیر علوم مفوض فرموده و نظام عمل نظام را  
بالتام بعزیزخان سردار کل عساکر منصوره نظام و اداره خارجه را بمیرزا سعیدخان  
وزیر امور خارجه سپرده و امور دیوانخانه و دادرسی غارنمین را بجاجی محمدقلین  
وزیر عدلیه اعظم نقویس فرموده مقرر شد که در زمان غیبت جمایون هرگاه  
امر و مهمی در مملکت روی دهد باید کرد و انجام آن کنکاش کرده و بصلاح  
وصواب دیدیم در تمام و انجام آن ساعی و جا بدباشند و هرگاه کاری باشد  
که انجام آن محتاج بحکم جمایون بود یا چایاران میرجع السیر بعرض برسانند و بهر نحو  
جمایون شرف نفاذ یا بد اطاعت کند نشش ساعت بغروب مانده و زرار را  
رخصت انصراف داده بامعدودی قلیل از میرشکار و محمدعلینان پیشخدمت و غیره  
بدره بابا علیخان رفته زینت هوا و حضرت مکان و دیدن کلههای تازه و سینه  
اسخان خوش نقش و نگار که بریدگار و ان بهار بودی اندازه اسباب تفریح خاطر  
مبارک شد در سبزه زارهای این دره بلدرحینی درجوب صید فرموده و همراهمبارک  
در دره که شش ماهه با چند نفری بعقب شکار تشریف برده که آهونی دو ساله شکار نمود  
و آنرا بفال نیکو گرفته بمنزل عود دادند سایر ایام نوقف در دوشان تپه خراغان

وقتی که با انجام امورات و احضار وزراء و تعیین دستور العمل رفتار مقصود  
و مسافرتین گذرانند و ساعتی از رحمت و کفایت و شکیبایی آسوده نگشتند تا کارها را  
مطمئن کردند و امورات را مطابق مرام سنیه خود ساختند میرزا نصر الله و میرزا علیخان  
پسرش از ریاست کمرگانهها معزول و میرزا محمد قوام الدوله را بجای آنها  
برقرار فرمودند و درین وقت سلطان محمد عبدالعزیز فرمای جزیره کمر و  
که جزیره است واقع در بحر محیط و قرب جزیره مداسکار و میس و تورین از  
جانب برادرش بعزم سفارت بدارنخلافه آمده توسط وزیر امور خارجه بحضور  
عدالت دستور فرمای شده عرائض و نیات خود را معروض داشت  
و امر بمایونی شرف نفاذ یافت که لوازم مهانداری را فرخوردشان و بر سر  
مشاریه مرعی دارند و روزیست و یکم تمام قشون مشرم رکاب نصرت اشباب  
از سواره پیاده که زیاده از سه هزار بود در صحرائی دولاپ حاضر شد در آن  
حضور مبارک که نشست تمام وزراء و اعیان در مجمع قشون حاضر بودند پس از  
انجام سان امر بمایونی بزان مقرر شد که طرین رکاب بمایونی در دون تپه  
اردو زده و در روزیست و سوم در رکاب ظفر اشباب حرکت کنند و بهم



درین روز عروس و لیعهد را که بخت عزت الدوله و خواهرزادش شاه

عاطف پناه است از آنجا که با فتح الله میرزای شجاع است طقه و جمعی از چاکران

خاص و محرم سمیت آذربایجان کوچ دادند و قدغن فرمودند که پس از ورود

بوازم حسن و عیش را بنحویکه مطابق نشان و لیعهدی باشد در آن شهر فراموش

آنکه درین سفر از وزراء و اعیان و اهل نظام و غیره بشرف سعادت الترام

رکاب همایون مستعد بودند از قرار است که بعضی میرساند

نواب محمد علیا و نادان حرم جلالت

نواب علیه عزت الدوله بانام خانزاده و عیال و خدم	نادان حرم جلالت و سایر ادکا عظام که شرفت کانی شش سینه مجلس آن بود و هزار وجه مایه از بزرگی حسن این حضرت بود	نواب مستطاب محمد علیا و تمام خدم
مد بقدر خان نظام که باشی و تمام خانیه کردان و عوام کچما	حاجی انی یوسف خواجه باشی و تمام خواجهای حرم آینه	نواب غلام عصمت الدوله عروس معزالملکین و امیر دولت محمد خان و تمام ایشان
شاهزاده ان عظام		

نصرت  
ملک منصور میرزا سلطان احمد میرزای خندان و تیمور میرزا پسر او و میرزا محمد خان پسر او و میرزا

وزیر اعظم و دولتمندی قیام و غیره

وزیر امین

خواجه خان امین الدوله وزیر دربار	نوشیرواکنان حضرت والد و	عاجی علی خان عماد الدوله
نمایون ویرس مہرین رکاب	خوب لار و ایلانی قان	وزیر مہرین ایف
نصرت اشباب ہمایون	و علمین و سردار با نذران و شہزاد	
	و غیر	
محمد ناصر خان خیر الدوله	میرزا محمد حسین و سرمد	باشا خان امین ملک پهل مملکت
ایشیاب قاسمی ہاسی		خبرگاران ہمایون

امین دست و قیام و غیره

میرزا محمد خان دہلوی	میرزا نصر اللہ ستون	میرزا محمد علی گلشن	قائم خان باہرین ہاشمی
			خاجہ و وزیر مہرین ایف کرگانی
محمد قلی خان شہر ہاشمی	عبدلہ خان پیرسنگھی	محمد حیرم خان سیرتہ	محمد علی خان صاحب جمیع مہرین ہاشمی
	ہاسی		خاصہ
محمد نظر خان	ابو محمد خان	موسی خان و صاحب	محمد علی خان نایب وزیر
			مہرین ہاشمی
رضا علی خان ہاشمی	میرزا علی پیرستون	علی خان سید اول شہزاد	محمد شہزاد خان نایب ہاشمی
		مہرین ہاشمی	
محمد حسین خان پیرخانگی	محمد حسین خان ولی	میرزا اسد اللہ منشی	عاجی میرزا اسد اللہ
		مہرین ہاشمی	منشی ایف
میرزا اسماعیل منشی	میرزا محمد حسین	محمد حسین خان پیرالدولہ	میرزا سید عالم
			مہرین ہاشمی

سرگردگان و صاحبان ہمایون و افواج قاسمی و سواران نصرت سنان

سکر دکان

مصطفیٰ قلیخان پسر توپان	عقیق خان جو دانا	محمد علیخان سرب	حسنت اللہ خان ساری
دشکچی ناسی	کل افواج قلمبر	حسام الدولہ	ہمسلاں
حاجی حسین خان بھارتی	قنبر علی خان سوہاگ	کاظم خان سرب	امدیہ خان سرب
دیسر توپان			
جاکھ خان سرب	کھنکھن خان سرب	زین العابدین خان	صفر علیخان سرب
	ہین نظام	سیرتت اول	
محمد سادق خان سرب	مصطفیٰ قلیخان سرب	عبد القادر خان	محمد اقای سرب
	توپخانہ		
حسین خان برادر سارو ہمسلاں			

غنا کر منصورہ از سوارہ پیادہ وغیرہ

یوزباشیان و علام پشیمتان		توپخانہ پیادہ و سوارہ	
یوزباشیان		توپخانہ مبارکہ با پانزدہ عرادہ توپ و قوپور	
عقیق خان	حیدر قلیخان	افواج قلمبر	
ابراہیم خان	جلید خان	فوج خاصہ	فوج دوم نظر
مصطفیٰ قلیخان	قلعیہ خان	فوج سوم	فوج خلیج
محمد حسینیان	رضا قلیخان	فوج اسیب	موزہ بکھان
علام پشیمتان		سوارہ	
سیراز علیخان	حاجی قلیخان	غلام بکھان	غلام زین کمر
ابراہیم خان		غلام نظر	ویرت نظر
زین العابدین خان	محمد قلیخان	غلام انانلو	سوارہ شاہسون
حاجی ابوالفتح خان		حاجی نظر	سیرت نظر
اقامان قاجا	فتح اللہ خان	سوارہ اطالت	سوارہ شاہسون
محمد قلیخان		سوارہ شاہسون	سوارہ شاہسون

محمد مستحق  
 میرزا جواد خان  
 میرزا جواد خان  
 علی آغا  
 میرزا جواد خان  
 میرزا کازم

عبدی خان سردار پهلوان  
 تعلقه خان  
 سوار حضرت  
 ابراهیم آقا میرزا جواد خان

خزانه و صندوقخانه مبارکه و غیره

خزانه مبارکه و زینورخانه و کاسه خانه و سایر ابواب جمعی خزانه دار بجایون

عبدی خان سردار پهلوان	عبدی خان سردار پهلوان	عبدی خان سردار پهلوان	عبدی خان سردار پهلوان
تعلقه خان	تعلقه خان	تعلقه خان	تعلقه خان
سوار حضرت	سوار حضرت	سوار حضرت	سوار حضرت
ابراهیم آقا میرزا جواد خان	ابراهیم آقا میرزا جواد خان	ابراهیم آقا میرزا جواد خان	ابراهیم آقا میرزا جواد خان

خزانه و صندوقخانه مبارکه

عبدی خان سردار پهلوان  
 تعلقه خان  
 سوار حضرت  
 ابراهیم آقا میرزا جواد خان

پیشترستان اطباء و عمله ابدارخانه و قوه خانه و نظارت خانه بجایون و غیره

پیشترستان

عبدی خان سردار پهلوان	عبدی خان سردار پهلوان	عبدی خان سردار پهلوان	عبدی خان سردار پهلوان
تعلقه خان	تعلقه خان	تعلقه خان	تعلقه خان
سوار حضرت	سوار حضرت	سوار حضرت	سوار حضرت
ابراهیم آقا میرزا جواد خان	ابراهیم آقا میرزا جواد خان	ابراهیم آقا میرزا جواد خان	ابراهیم آقا میرزا جواد خان

محمد تقی خان  
 میرزا علی خان  
 میرزا احمدی خونی  
 میرزا احمدی خونی  
 میرزا احمدی خونی  
 میرزا احمدی خونی  
 بجایون

دوست خان پسر نوم	آقا زین العابدین	محمد حسن خان	حاجی محمد حسن خان
علی خان کرچی	اسد الله خان	محمد علی خان	غلام حسن خان مشهور بود
حسین خان پسر دایه	نصرت الله خان پسرین الدوله	محمد حسن خان پسرین سنیا	میرزا محمد خان پسرین غلام
محمد حسن خان پسر آقا	نور محمد خان مفضل بود	حسین خان پسر نوم	احمد خان
حسین خان پسر آقا	دیوانخانه مبارک	بهاء الملک	
وحید الله میرزا	ابراهیم خان گلانی	محمد خان	محمد نور خان پسر دوله
آقا یعقوب خان فخرشمال	حسن خان	آقا محسن	حاجی علمینق فراخاوند
آقا محمد علی نقیب باشی	حاجی میرزا مبارک	غلام حسن خان دربان خانم	پاشا پاپ فراخاوند
آقا محراب پسر	فراخاوند	بهای بود	

اطباء	حاجی آقا بابای	میرزا حسین دکتر	نور الله پسر میرزا شیخ پسر	میرزا علی البر شریف	نورخانه مبارک
عالم باشی طلزان	میرزا حسین	میرزا حسین	حاجی قاسم شربت دار	حاجی حسین اسپرزاد	
میرزا اسید	میرزا عبد الله	میرزا حنیف	شربت دار و طباح		
میرزا اسج	میرزا حسین	میرزا حسین	فتوه خانه مبارک		
ابراهیم میرزا	آقا یوسف خان	لا محمد پسر شامی	حاجی محمد خان	آقا حسن پاپ	فتوه چیان
وایر پسر	آقا یوسف باشی	که درون نه بعضی	فتوه حنیف باشی		
لا رضا پسر	آقا حسین	حاجی حسن	تجدید از شکیانه		مبارک

حاجی مهدی ابدان و سحاب

مهندس ابدان خانه

اصحاب سکار

اکتسی خان قهرمان حاجی فرج خان محمد حسن خان

رضای خان مصطفی حاجی محمد اوالی خان

محمد علی خان محمد علی سار

محمد علی خان برادر

سار سکار چیمان

سار

ادلی صخل خاصه و فراتخانه بیول

اصطبل خاصه

فراتخانه سار

محمد حسن مسزاق ابراهیم خان حاجی محمد علی

سیرتیز خورن سار حاجی محمد علی

سیان جزو جلودار محمد علی ای پان

دوازده نفر صد نفر سید محمد

فراتخانه سار

عمارت دوشان تکی از قور مخصوص بجایونی سلطان و از بناهای علی پیر

قدس شاهنشاهی است که در سمت شرقی و از بناهای ابدان و بنامه کفر سار

از شهر واقع است محل بنای وسیع و قصر مربع در بدو دولت است

بود حاکم که در او سبج از آب و گیاه نمونه بود و پخته نشکین در وسط داشت که

سعدن سنگهای سیاه بود و تجاران شهر بد بخاروفه از برای اراره حوضها و در

عمارت از آن سنگها کند و بشهر آورده بکار میبردند و چون درین صحرای سبج نمونه آباد

و محل عبور و مرور مردم نبود اغلب طیور و وحوش در او مسکن داشتند و در فصل  
بهار و اول بهار و خریف و اوت عالی برکات بهایونی محض صید و شکار  
بدینجا تشریف فرمایند تا جمله روزی آن سامان را مشرف ساخته حرارت هوا  
و قلت آب بسبب زحمت همایبان شده خاطر خطیر مبارک بر آن قرار  
گرفت که جلگه بی آب و علف آب و صفائی دهند و محل بی اسم و رسم و وقوع عجمی  
جمعی از چاکران دربار گیتی مدار بعضی عا کفان حضور رسانیدند که سلاطین سیلف  
و وزرا قبل حتی مرحوم حاجی میرزا آقاسی که بآبادی و زراعت کمال میل داشت  
هر قدر خوشش درین مکان فحاشی حضرت کند و آبی پیدا آرند و بنائی بگذارند با  
مخارج کراف صورت امکان پذیرفت این عرض مقبول طبع مبارک نشد و مقتر  
داشتند که ما تا کنون نجو است خدا با مری اقدام نکرده ایم که انجام پذیر نشود اکنون  
بعون الله تعالی همهت ملوکانه بر آبادی این محل می بکاریم و انشاء الله در آن  
مدت درین جای خشک قناتها جاری خواهد شد و باغها و عمارت آباد خواهند  
گشت پس خود بعضی نفرین مبارک از برای یافتن سرشته قناتی سوار شده در اطراف  
این پابان سیر فرمودند تا آنکه در یکفرشکی در دامنه کوهی که در سمت شرقی شهر واقع است

و معروف بسیار است چای بداریا شنید پس امر فرمودند که همان چاه را گرفتند  
رشتهها از بالا و پائین حفر نمایند در اندک مدت با قبال پروال همایون تهنه  
پس آب ازین قنات جاری گشته و در نیم فرسنگی تهنه دوستان تهنه برو می  
زمین آمد اشجار بر حسب امر همایون شخمی زده و حوضی در مقابل آن ساخته و اطراف  
از اشجار بسیار عرس کردند و بعد از آن اشجار پائینی تهنه دوستان تهنه آورده  
زراعت نمودند و اطراف این شهر را همه جا کاهای کونا کون و درجهای شهر  
کاشته بخوبی که دو سال پسینامده اشجار ترقی زیاد کرده صفا و خضرتی یافتند  
پس خاطر مبارک بدان تعلق یافت که در فوق این تهنه کوشکی بنا کنند و در آن  
عمارت کلاه فرنگی کوچکی در کمال ظرافت در بالای آن بنا کردند چون این عمارت  
اتمام یافت مریدان شد که باغی در پائین تهنه بسیار زیاده قاصد یعنی آبادی خاصه که  
هم از علم عرس اشجار و زراعت اطلاق دشت باین حدیث سرافراز آمد  
در اندک مدت باغی بسیار وسیع که پنجاه هزار ذرع دور است بنا نهاده و او را  
باغ دلکش موسوم نموده چهار سردر با عمارت در آن باغ بنا نهادند و در  
اصطخر بزرگ در او ساختند و چون آب این قنات عظمت باغ را کافی نبود قناتی



و یکرا نیت شمال حفر کردند پس نوزد و سال بر نیامده سواد باغ و اشجار آن  
مثل یکی از باغهای کهن گشته و رای مبارک بر آن شده که عمارت بالای تپه ریز  
و سقی و هند میرزا با ششم خان امین خلوت در سنه هزار و دویست و شصت و نامتوین  
خدمت شد و عمارتی عالی خوش طرح و طرز مثل بر اندرونی و سپرونی و قصری  
سه مرتبه شیبه بقصرهای صینی و عمارت فزنی در بالای این تپه بنا نمود و قلعه و حمام  
و مسجدی در پائین تپه ساخته چند خانوار رعیت در او مسکن گردید مشغول زرع و کشت  
شدند و در سنه هزار و دویست و شصت و سه سخی خان اجودان مخصوص این بنابر  
با تمام رسانیده محل توقف و مکن گاه گاه ذات عالی برکات بپایونی نمود  
حیرت و تعجب ناظرین شد زیرا که تا امروز عمارتی باین روح و باین زیبایی  
ساخته نشده خاصه آنکه زیادی باغ و اشجار و جدا و آب و انهار بسیار  
نزیبت هوا و حضرت مکان این سامان شده و در حقیقت امروز یکی از بهترین  
نقش گاه و شکار گاه های سلطانی است درین جلگه شکار آب و خرگوش و اقسام  
طیور و وحوش بسیار است و در کوچه های حوالی آن رقالی و بز و تکه از زبایک  
مصطفی قلیجان میر شکار آن اطراف افرورق نموده سجده می زیاده است که در هیچ جا

روی زمین نیست و هیچ ممکن نمیشود که سرکار بهایونی بدین شمار کارگاه تشریف فرما  
شوند و از ده کمر صید فرمایند و نیز در اطراف این بلکه دریا و همین باغ است که  
همه امروز با صفا و سبزه و غرم است قطره فریبور شست به از ذرع و این  
آن تا با لای فخر سه مرتبه یکصد و پنجاه ذرع است در این اوقات بزرگ  
بهایون عمارت زیاد از برای عمل خلوت و قوه خانه و آبدارخانه و تکلیف باشی  
حضرات و غلبی از خدام و صطل و نظارتخانه در اطراف پست ساخته اند و  
و به نشانی نیز معماری است تا دشته عهد کاشانی که از عمارت این منبوع است  
نمایگانی بسیار ظریف و خوش طرح بنا کرده اند و نیز در راست که باغی  
دیگر قرینه این باغ بزرگ و رحمت چپ تپ زده و آب قنات موسوم  
بعاش پیر که در معیر المانک امتیاع فرموده اند و زیاده از سه سکن است  
دارد بخود بنای معیر المانک است که از بسطت آبادی آنجا می آید  
و یقین بعد از تمام این باغ مقصود و شان تبه و باغیات آن که هم بشمار  
موسوم است مستحق و سزاوار آن خواهد بود که مردم از بلا و غریبه محض نترسند  
و تماشای آن بهار سخله فرست کنند و ملاحظه نمایند که غرم و رحمت ملوک کاغذ

در خاک ریم هشت نسیم موجود فرماید و زمین بی آب و گیاه را مباح

و کلزار می عظیم تبدیل سازد اللهم احفظه من الافات و البلیات

روز دوشنبه است و سوم شهر و یازدهم محرم

درین روز که روز حرکت مرکب مسعود بهما یون بود بسنگام صبح جمیع قهرمانان

و سواران و زرتور کچیان و قاره خانه ویدگان مرضع و غیره در پای تپه دوشنبه

تپه حاضر شدند بندگان بهما یون شاهنشاهی از اندرون پسران شریف

فرماده جناب میرزا زین العابدین امام جمعه از شهر حضور بهما یون آمده و دعا

سفر بکوشش مبارک خوانند ذات بهما یونی توکل بخدا و ائمه بدافرموده

بر اسب سفید تمور میرزائی سوار شده بسمت مقصد عثمان دادند نایب سلطان

و فرهاد میرزای معتمد الدوله و فیروز میرزای نصرت الدوله و ستوفی الممالک

و وزیر امور خارجه و وزیر علوم و حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه اعظم بهوشنگ

میرزای ایلیخان سابق قاجار و معین الملک و قوام الدوله تپ بهما یون

تا یکشنبه مشایعت نموده و هر یک مورد فرمایشات و الطاف شاهنشاهی

رضت انصافی یافتند سرکار شاهنشاهی در دماغه آخر کوه بی بی شهر بانوازی برای

صرف نهار فرود آمده و پس از آن بکاشک نشسته است بهمت خاتون آباد که اول  
منزل خراسان و مخیم خایم کیوان مقام بود تشریف فرما شده چهار ساعت  
بفرود بمانده نزول اجلال بمنزل فرمودند بخواهی این روز فی الجمله حرارتی داشت  
و از کثرت ازدحام و جمعیت بسنود منصوره و غیره تجدی کرد و خاک احاطه  
داشت که در عرض راه شناسائی یکدیگر بی اشکال نبود

از روشن تپه الی خاتون آباد پنج فرسنگ است و راه اول رو بجنوب بعد  
چند درجه بشرق میل میکند و درین راه همه جا کاشک بهولت عبور نمایند تا یک  
خاتون آباد و از آنجا نهرهای زیادی که از رود جاجرود جدا کرده اند و از برای  
زراعت دیات و زمین و خالصه دیوان اعلی میرند قدری کاشک را مانع است  
خاتون آباد محادی حصار امیر واقع است و قریب یکصد خانوار رعیت دارد  
جو تو و پشت دیات معروف با زکیان در فاصله خاتون آباد و حصار امیر واقعند  
جناب حاجی ملا علی محمد مشهور کنی در خاتون آباد کاروانسرای بنا نمود  
از کاروانسراهای بسیار خوب خواهد شد و فایده کلی از برای زوار و قوافل خواهد داشت  
روز شنبه است و چهارم

بندگان شاهی امروزی را در خواب تو آباد امر با طراق فرمودند تا برگاه بقیع  
 بهر ایسان ماند و باشند طحی شوند سردار کل که بر حسب امر سینه بدین منزل آمده بود و حضور  
 مهر ظهور بمایونی شرفیاب کشته اصغای فرمایشات عتیه کرده و جمعی که برکات  
 بخدمتی مامور بودند مثل میرزا احمد خان سابعه الملک سلطان حمید میرزای پسر حضرت  
 الدوله ابوالفتح خان پسر مرحوم سردار میرزا قهرمان امین شکر حمید خان ماکونی  
 احمد خان مکرری و محمد میرزای همدس مامور لایجان را بحضور مهر ظهور آورده و بر  
 فرمایشات ملوکانه و بدل تقاضات خسروانیه شده و سخی میرزای پسر مغز الدوله که حکم  
 نجف آباد صفهان است توسط امین الدوله شرفیاب حضور بمایون کشته و نیز  
 خستاده حاجی ملا محمد زاتی با جو زمش و کلاب که بدین حاج معظم الیه بود توسط  
 امین الدوله بحضور مبارک شرفیاب آمدن قاضی میرزا مهدی محمد سیدان توسط و پسر  
 شرفیاب حضور شد و دو ساعت بغروب نمانده بندگان بمایونی پسر امروزی  
 عهد علیا تشریف فرما شده بعد از نیم ساعت مراجعت فرمودند بموای امروزی  
 نیز فی بحله گرم بود و باد های شد کرد آلود و زیدن داشت تا بسنگام عصر از قبا  
 پسر و ال بمایونی باران نافع شدید باریدن گرفت و حرارت و کثافت هوا پسر و ال

و شادمانت بدین یافت کلهای سنج و زرد امر و زمار و طبعی از آن بخصو مبارک آوردند

### روز چهارشنبه است و پنجم

شریف فرمانی مویک بمایون بمنزل شریف آباد کیا عت زدست که سینه زدن

افدسن بمایونی از سبب راحت برخواستند دو کانه جدا و نزدیکانه بجای آورده و بسا

سواری پوشیده و بعد از سه شیور و کرنا که اخبار سوار است از سر پرده بمایونی سپردند

شریف آورده باشوکت و اقبال بکال سکه اعلان نشد فریاد میرزا می محمد آمدند

و حضرت لدوله و ساعد الملک و امین شکرگدما این منزل همراه بودند در پای

کاسکه شرفیاب حضور مهر ظهور شده و حضرت انصاف یافتند چون کفر نیک و تم

از خوانان آباد که ششم در قرینه خسرو در باغی از برای صرف بخار فرود آمدند قاتلان

پیشیست و امین صحیح که صاحب قرینه مزبوره است قدوم مبارک بمایون

با پیشگی لایق پذیرائی نمود این باغ اگر چه رعیتی است ولیکن صهای بسیار

و اشجار پشمار آن اسباب خرمی حاضر مبارک شد در میان هم صرفت حکیم باش

طلران از روزنا مجات و کاستمان بعضی خاکبای بمایون میرسانیدند

از جمله اخبار آن بود که روزنامه نویسان نوشته بودند و نیست در میان دولت

فرانس و پروس آنرا خنک و جدال شود سرکار اعلی حضرت شایسته ای این حد  
غیر صائب دانسته حکیم مابشی میفرمودند که ان ندارم که این حادثه شمت وقوع  
بالاخره پس از صرف نماز تجدداً بکالکی نشسته جماعت بغروب نایه بجوای  
قریه شریف آباد که مخیم اردوی کیوان پوی بود تشریف فرما شدند و سعی  
استراحت فرموده و بقیه روز باستماع کتاب تاریخ روضه الصفا که افاضت  
عکاس مابشی بعضی میرساند و صحبت مشرقه اوقات مبارک گذشت هوا  
امروز سیرنی بجمه حرارت داشت باز ظرف عصر باد شدی وزیده و رعد و برق  
استکارش باران شدیدی باریدن گرفت و بعد از آن هوا در نهایت اعتدال  
یافت و خاطر سپاریونی خرسندگشته شکر خداوند را بجای آوردند  
مسافت از خواتون آبادالی شریف آباد و در سنک نیم راه مایل جنوب  
مشرقی است و همه جاسطح است مگر آنکه رودخانه جابرو در سمت ورا من می آید  
و نهروای متعدده که از آن رودخانه جدا کرده اند مانع از سهولت حرکت کالسکه است  
ولیکن چون رودخانه در اینجا عرض است بنه و سوار بخوبی و آسانی گذشتند  
در فاصله خواتون آباد و شریف آباد نزدیک بجاده اولن هی که ملاحظه شد

لوک ده آقا خان پیچ دست بعد از آن کبر و اعلان ده امین الملکت و

پس از آن خسرو است که منتهی با آقا خان است شریف آبا دره معتبر است

و سپرده بجای محمد قلی پیک نایب صطبل خاصه مبارک است

### روز پنجشنبه پست و ششم

شریف فرمانی موکب همایون منزل ایوان کیف که اشغالی خاک و این است

دو ساعت از دست گذشته بندگان همایون شایسته ای از سر پرده مبارک که پرو

آمده بآب سبکی عماد الدوله سوار شده با تپ پدق که صحرارافرو گرفته بود

روی براه نهادند محمود خان ناصر الملک ایچی کپرد دولت علیه که سابقا مقیم در

بته انگلیس بود تا این منزل با اردوی همایون بسره بود شرف اندوز حضور همایون

شده و پس از استماع فرمایشات ملوک انحضرت انصرف یافت امین الدوله

و حاجی میرزا محمد خان دسر قدری از راه را در جنب رکاب همایون بوده و خطاب

فرمایشات و صحبت علیه شد چون شیک بنورک خبر رسیدن بوسط

راه را داد ذات همایونی در کنار جاده فرود آمده در آفتاب کردان صرفنهار

فرمودند حکیم باشی طلزان علی الرسم روزنامه بنخواند و یکی خان جودان مخصوص جمعه نمود



پس از نما بکال سکة نشسته و نجاعت بغروب نمانده تشریف فرمای منزل شده  
 حاجی میرزا یحیی خان حاکم دماوند در عرض راه شرف اندوز خاکپای مبارک گردید  
 اگر چه با قضای فصل و مکان مقتضی کراما و سوها بود ولی باقبال پسر وال شایسته  
 یوانتهایت اعتدال پیدا کرده وجود مسعود ملوکانه و عموم طبرین رگبار آسایش  
 و راحت کلی حاصل گردید میرزا سید احمد وزیر عربستان بهنگام عصر توسط <sup>الدوله</sup> عتضاد  
 بحضور مهر ظهور مشرف گشته مطالب و عرائش خود را معروض داشته حکام  
 بهمایونی در جواب هر یک شرف صدور یافت امروز نیز دو ساعت بغروب  
 مانده بادی شد وزیدن گرفت و اغلب بخیر و خیام را از پای در انداخت  
 و پس از آن اعتدال هوا فرود شد

از تشریف آباد بایوان کیف پنج فرسنگ است و راه همه جا سطح و کال سکة  
 در نهایت آرامی و راحت عبور میکند طرف دست چپ جاده همه صحرائی بونه و آ  
 و هموار و بی باد است و مٹی میشود بحال و دره ماهور تا سده دهنه کوه قرااق  
 بعضی جاها کفر سنگ و بعضی نیم و سنگ از جاده تا دهنه کوه قرااق  
 سطح است درین صحرا آهونی بسیار داشت ولی عبور شیخانه و جمعیت زیاد <sup>نعمت</sup>